





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سلسله کتابها  
دوره آموزش پایه  
ویژه خاندان

## مهارت‌ها رفتار

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد  
انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷  
طراح جلد و مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه  
جنوبی، نبش کوچه عطار د. پلاک ۵.  
کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹  
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷  
[www.masjed.ir](http://www.masjed.ir)



## فهرست

۹	اراهایی برای جذب کودکان و نوجوانان به مسجد
۱۹	نقش خادم در تحقق نقش های تربیت اجتماعی مسجد
۲۵	نقش خادم در تحقق جایگاه عبادی مسجد
۳۳	نقش خادم مسجد در ایجاد حس امنیت در نوجوانان
۳۹	چگونگی برخورد با ناهنجاری رفتاری جوانان در مسجد
۴۷	الزوم وقت شناسی و وفای به عهد
۵۱	اتفاق، عبادتی در مسجد
۵۷	خوش اخلاقی نجاتش داد
۶۵	احسن خلق و رفتار کریمانه را از موفقیت یک خادم
۷۱	الزوم محاسبه نفس در کلام امام کاظم (علیه السلام)
۷۷	استفاده از ظرفیت مأمومین اهل علم
۸۳	این مسجد بانی دارد









## دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»<sup>۱</sup>

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز (ره) که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد

که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد» محسوب می‌شود، در حوزه‌های مطالعاتی، برنامه‌ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندر کاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره‌مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد<sup>۲</sup>».

## مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱: ابلاغیه‌ی رهبر معظم انقلاب به آیت‌الله مهدوی‌کنی برای تاسیس مرکز  
۲: رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۰/۷/۱۹

« راه‌هایی برای جذب کودکان و  
نوجوانان به مسجد



## « عذر خواهی

همه از تو انتظار دارند، همه می‌خواهند بهترین‌ها را از تو ببینند، اگر کوچک‌ترین مشکلی در نظافت و پاکیزگی مسجد دیده شود، تو را مسئول آن می‌دانند، اگر در مسجد به موقع گشوده نشود، اگر اتفاق بدی در مسجد بیفتد، اگر پذیرایی مسجد خوب نباشد، اول به سمت تو می‌آیند و علت ایجاد مشکل را از تو جویا می‌شوند. خلاصه در همه جا انتظار دارند که مستقیم یا غیر مستقیم، تو دستی در آتش داشته باشی و کاری بکنی!

البته تو از این وضع شاکی و ناراحت نیستی، بالاخره همه کاره خانه خدا بودن نصیب هر کسی نمی‌شود.

اما آیا ما به وظیفه خودمان در قبال توبه خوبی عمل می‌کنیم؟

آیا اصلاً ما باور کرده‌ایم که در قبال تو وظیفه‌ای داریم؟

آیا توجه داریم که تو نمی‌توانی در کنار این مسئولیت مهم، کار و فعالیت مادی اثرگذار دیگری داشته باشی؟

به نظر من مآ قدر تو را به خوبی ندانسته‌ایم و همیشه این گونه بوده که حقت ادا نشده است. همواره تو بهترین خدمت‌ها را ارائه کرده‌ای، ولی در برابر آن،

قدردانی شایسته‌ای از تو نشده است. البته شاید این خود حکمتی دارد. شاید شما هم که سکوت می‌کنی و همیشه شاکری، از این حکمت باخبری، احتمالاً تو با خدا معامله می‌کنی! کسی چه می‌داند، شاید بسیار بیشتر از آن چیزی که ما تصور می‌کنیم، وقت می‌گذاری و تلاش می‌کنی و بخش زیادی از آن را فقط و فقط بین خود و خدایت، برای روزی ذخیره می‌کنی که همه ما دست خالی هستیم و همان روز هم می‌خواهی در سایه خدا باشی و ما را هم با خود به این سایه ببری!

تو حق داری که از بی‌وفایی‌های ما گله کنی، اما باز هم بزرگواری ات ما را شرمنده می‌کند. نمی‌دانم شاید همسایگی خدای کریم، تا این اندازه به تو کرامت داده است! شاید هم کرامت داشته‌ات تو را با خدا همسایه کرده است. به هر حال ما را ببخش که حق را ادا نمی‌کنیم؛ هر چند که می‌توان، بلکه باید، بعد از این بیشتر و بهتر به یادت بود.

## « هنرمند

می گویی خادم مسجد لازم نیست هنرمند باشد؟ می گویی هنر در جاهای دیگر به درد می خورد؟ من برایت اثبات می کنم که یک خادم مسجد هم می تواند، بلکه باید هنرمند باشد؛ البته جنس هنر او فرق می کند. هنر او به درد رادیو، تلویزیون و مانند آن نمی خورد. هنر یک خادم مسجد، به درد مهمانان خدا می خورد. می خواهم بخش هایی از این هنر را تشریح کنم:

۱. فرض کنید مسجدی داریم که امکانات کمی دارد. زینت ها و زیبایی هایی هم که بر در و دیوار بسیاری از مساجد است، در آن مشاهده نمی شود. مسجدی در منطقه ای محروم، با مردمی که از امکانات مادی چندانی برخوردار نیستند. هنر خادم چنین مسجدی، می تواند جایگزین همه این چیزها باشد، تا جایی که جوانان و نوجوانان، این مسجد را بر هر جای دیگری ترجیح دهند. می پرسی: مثلاً او چه کار می تواند بکند؟! **جواب: الف)** داخل و صحن مسجد، در و دیوارها، سرویس های بهداشتی، وضوخانه و خلاصه همه جا همیشه، تمیز و پاکیزه باشد. این اولین و مهم ترین نشانه ای است که می توان در سنجش موفقیت خادم در نظر گرفت. پاکیزگی مسجد، می تواند برای همه مراجعان خاطره انگیز باشد. البته ممکن است خادم، برای به دست آوردن این شاخص، از خود جوانان و نوجوانان هم کمک بگیرد و این خود هنر دیگری است.

**ب)** با هماهنگی مسئولین، زیبایی ظاهری و تزئینات داخلی مسجد را به خود جوانان بسپارد. هر یک از آنان مثلاً برای مدت دو هفته یا یک ماه، مسئول حفظ زیبایی و جذابیت ظاهری مسجد

باشد. ممکن است این کار، گروهی انجام شود و به جای هر نفر، یک گروه قرار گیرد. البته شأن مسجد و مسائل شرعی، عرفی و اخلاقی، از قبل به آنان گوش زد می‌شود.

**ج) چایخانه مسجد، همیشه فعال باشد.** چایی یک‌نواخت نباشد و در روزهای خاص هفته از برخی دمنوش‌های گیاهی هم استفاده شود. در روزهای گرم تابستان، برای پذیرایی، به جای چایی از شربت استفاده شود. خلاصه همیشه بساط پذیرایی مختصر از میهمانان خانه خدا فراهم باشد. این کار سبب جذب میهمانان بیشتری خواهد شد. البته هنر مضاعف خادم عزیز، در تولید چایی و شربت و مانند آن، بر جذابیت این برنامه می‌افزاید.

**د) هنر مهم دیگر، لبخند همیشگی است.** خستگی‌ها و سختی کار خادمان مساجد را انکار نمی‌کنم، ولی لبخند دائمی انسان، حتی در رفع خستگی هم یاری‌اش می‌کند. نوجوانان وقتی وارد مسجد می‌شوند، از خادم مسجد بیشتر حساب می‌برند تا مسئولان دیگر. علتش این است که آنها هر کاری بخواهند بکنند و از هر امکاناتی بخواهند بهره ببرند، باید با او هماهنگ شوند. از طرفی بسیاری از مواقع اعضای هیئت امانا در مسجد نیستند، ولی در اکثر اوقات، خادم در مسجد حضور دارد. از همه اینها که بگذریم، شاید خدای متعال هم نوعی ابهت در وجود خادمان خانه خودش قرار داده است. به هر حال اگر نوجوانان با لبخند خادم عزیز مسجدشان مواجه شوند، انگیزه بیشتر و بهتری برای بازگشتن به آنجا خواهند داشت.



۲. فرض کنید در یک منطقه نسبتاً برخوردار شهر، یا حتی مناطق ثروتمند، مسجدی با امکانات عالی بنا شده است. هر کس در آن مسجد فعالیت خوبی داشته باشد، زمینه مادی برایش فراهم است. به طور طبیعی، مراجعان به این مسجد نیز غالباً افراد برخوردار جامعه خواهند بود. به نظر شما در چنین شرایطی هنر خادم مسجد به چیست؟ اگر وی خواهد تعامل هنرمندانه‌ای با جوانان و نوجوانان داشته باشد، باید چه کار بکند؟

**جواب:** به نظر می‌رسد، جنس هنر در این شرایط با جنس هنر در شرایط قبلی تفاوتی ندارد. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت‌های شکل کار است. دو چیز در این وضعیت با هم متفاوت است:

## الف. جنبه مادی

### ب. فرهنگ معاشرت.

در این شرایط احتمالاً همکاری در مسئله تمیزکاری کم باشد، ولی در مقابل، حفظ نظافت محیط توسط خود مراجعان بیشتر است و همچنین امکانات زیادتری در اختیار خادم است. در این نوع مساجد، گذشته از بحث پاکیزگی، نظم و ترتیب اشیاء، وسایل، البسه و امکانات مسجد، برای مراجعان مهم است. نمازگزار، وقتی فضای مسجد را از نظر نظم و ترتیب بررسی می‌کند، احتمالاً آن را با فضاهای منازلی که در آن زندگی، یا به آن رفت و آمد می‌کند، مقایسه خواهد کرد. به طور طبیعی، فردی که به خاطر برخورداری از مادیات، ظاهر بسیار منظم و مرتبی به محل زندگی اش بخشیده است، انتظار دارد مسجدی که در آن حاضر می‌شود نیز از همین وضعیت برخوردار باشد.

نکته مهم دیگر نحوه برخورد با نوجوانان در این مناطق است. واقعیت این است

که غالباً تحمل برخی رفتارها و گفتارها در نوجوانان و جوانانی که در خانواده‌های مرفه زندگی کرده‌اند، کمتر است؛ پس برخورد با آنان هنر مضاعفی می‌طلبد.

### ۱) باز آهر آنکه هستی باز آ...

ممکن است یک نوجوان لباس مطلوبی بر تن نداشته باشد، شاید مدل مو و چهره خاصش، چندان مناسب مسجد و نماز نباشد. احتمالاً نوجوانانی پایه مسجد بگذارند که خادم عزیز مسجد، قبلاً آنان را در فضاهای خاص و در حال رفتارهای نامناسبی دیده است. ممکن است نوجوانانی میهمان خانه خدا شوند که پدران یا مادرانشان افراد خوشنامی نباشند و خلاصه شاید برخی از آنان کسانی باشند که از نظر ما مسجد جای آنها نیست. در همه این موارد، خادم هنرمند مسجد باید هنرنمایی کند، او باید بین شخصیت این نوجوانان و رفتار، ظاهر و قیافه‌شان فرق بگذارد و هیچگاه و به هیچ روشی با آنان برخورد سلبی نکند. توجه می‌دانی شاید او که راه خانه خدا را در پیش گرفته است، می‌خواهد با خدا ارتباط برقرار کند و خدا می‌خواهد او را بپذیرد؟!

### ۲) پیشگامی در سلام کردن

نوجوانان در دوره‌ای هستند که دلشان می‌خواهد با آنان چون بزرگ‌ترها رفتار شود. ایشان دوست دارند، با بزرگ‌ترها نشست و برخاست کنند، با آنان سخن بگویند و در گفت‌وگوها اظهار نظر کنند. وقتی یک نوجوان وارد مسجد می‌شود، احتمالاً در ورودی یا کفش کن، با خادم مسجد روبه‌رو می‌شود. خادم مسجد نباید اجازه دهد نوجوان در سلام کردن بر او مقدم شود؛ درست مثل میزبان. وقتی میهمانی با میزبان مواجه می‌شود و صاحبخانه باروی گشاده بدون اینکه منتظر سلام میهمان باشد، ابتدا به سلام می‌کند، میهمان احساس مثبتی پیدا می‌کند و از آمدن به آن خانه خوشحال می‌شود. در عین حال خیالش راحت

می‌شود که حضورش در آن خانه مانع و مزاحمی برای اهل خانه نیست.

### ۳) لباس مخصوص

حتماً تصاویر زیبای غبارروبی ضریح مقدس امام رضا (علیه السلام) توسط مقام معظم رهبری را دیده‌اید. در این مراسم، هم مقام معظم رهبری و هم دیگرانی که با ایشان همراهی می‌کنند، از لباس سفید، پاک و تمیز استفاده می‌کنند. استفاده از این لباس، ضمن زیباسازی و تلطیف فضا، نشان از تقدس آن مکان و مراسم است. خادم مسجد می‌تواند در مراسم رسمی لباسی مخصوص، زیبا و معطر به تن کند. این کار، نشان‌دهنده ارزش و تقدس کار او خواهد بود.

### ۴) شیرین

کودکانی که به مسجد می‌آیند که کوچک‌ترین لذتی آنان را برای حضور دوباره در مسجد ترغیب می‌کند. شاید بد نباشد بخش بسیار کوچکی از اعتبارات مادی مسجد صرف خرید شکلات و چیزهای شیرین و لذیذ شود و خادم مسجد هر وقت با کودکان مواجه شد، از طرف مسجد با شکلاتی، کام کودک را شیرین و حضور در مسجد را برایش لذت بخش بنماید.

« نویسنده: حسن جعفریان »



« نقش خادم در تحقق نقش های  
تربیت اجتماعی مسجد



خادمی باصفا و صمیمی بود. با همه کس اُنس می گرفت و می جوشید. دار و دسته‌ای هم در مسجد راه انداخته بود به نام: «قَدرها»! تقریباً هیچ‌یک از نوجوانان محله را نمی دیدی که در این دار و دسته عضو نباشد. هر کار خداپسندانه‌ای که فکرش را کنی، در دار و دسته «قَدرها»، برنامه‌ای داشت و سازمانی یافته بود.

اقامه نماز، نشر مهربانی‌های اجتماعی و نشان دادن چاه و چاله‌های بی‌بندوباری، فحشا، اعتیاد با نمایش فیلم‌های مستند و آموزشی، نشر مهربانی‌های اجتماعی و نشان دادن بی‌توجهی به طبیعت، بی‌توجهی به سرزندگی و سلامت جسم با اردوهای طبیعت گردی و مسابقات ورزشی مختلف، برپایی جشن و مراسم سوگواری در مناسبت‌های مختلف، سفره‌های اطعام، افطاری و کمک به نیازمندان در ماه رمضان، برپایی هیئت‌های خانگی و هفتگی، دیدارهای فصلی با خانواده شهدا، علما، پدر بزرگ‌ها و ریش سفیدها، راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه کوچکی برای نوجوانان و نیازمندان، تشکیل مشاوره‌های گروهی از دواج و تحکیم خانواده و موارد متعدد دیگر، همه و همه یا در حال اجرا بود، یا در انتظار اجرا شدن، یا در حال تنظیم طرح و برنامه اجرا. با اینکه نامش ابراهیم

بود، همه او را «علیّ مسجد» و «علیّ مسجدی» صدامی کردند.  
کنجکاوانه دلیل این نام گذاری و این همه کار و تلاش سرسختانه را از او پرسیدم.  
به قول خودش مرابه نرم افزار و پردازش گرافیکی وصل کرد و از حاج «سیدنبی»  
امام جماعت و رئیس هیئت امنای مسجد گفت. از اولین دیدارش با سید در  
اولین شب ماه رمضان پنج سال قبل؛ آن زمانی که مسجد نیمه ساز، تازه شروع  
به فعالیت کرده بود:

سیدنبی، بعد از نماز مرابه خانه اش دعوت کرد و افطاری، آبگوشتی دلچسب به  
ماداد و از طرح ها و برنامه هایش برای مسجد و محله گفت. کتابی را از قفسه ای  
برداشت و داستانی را از روی آن برایم خواند: روزی حضرت ابراهیم در کنار  
دریا، در جزیره ای از جزایر با کسی برخورد کرد و با هم دوست و صمیمی شدند.  
البته این شخص مدتی بود با خدا قهر کرده، دعای می کرد. ابراهیم می پرسد: تو  
خدای چه کسی را عبادت می کنی؟ او می گوید: خدای ابراهیم خلیل الرحمن  
را.

ابراهیم می گوید: پس بیامن دعا کنم، تو آمین بگو یا تو دعا کن من آمین بگویم.  
او می گوید: نه این و نه آن.

ابراهیم می گوید: چرا؟

و او در جواب می گوید: من ده سال است که دعایی کرده و از خدا چیزی  
خواسته ام، اما او هنوز آن را نداده است. دیگر دعا نخواهم کرد تا آن را بدهد.

ابراهیم می گوید: دعای تو چه بوده است؟

و او می گوید: روزی آن طرف دریا، بچه ای را با گاوهای خیلی چاق که گویا از  
پوستشان روغن می چکید، دیدم. پرسیدم: تو که هستی؟ گفت: من اسماعیل،  
پسر خلیل الرحمن هستم. فهمیدم خدا برای خودش خلیلی انتخاب کرده  
است. سال ها است که می خواهم او را ببینم، ولی به من راه نداده است و تا این



خواسته را به من ندهد، دیگر دعایی نمی‌کنم. آمین هم نمی‌گوییم.  
ابراهیم می‌گوید: حاجت تو برآورده شد، من ابراهیم هستم؛ بعد با هم دعا می‌کنند.

اینجا بود که «سیدنبی» از من پرسید: فکر می‌کنی ابراهیم خلیل دعایش چه بود و چگونه دعا کرد؟ از بلندهمتی و توسعه در همت ابراهیم خلیل الرحمن، از کم‌نخواستنش، از تنگ‌نظر و محدود نبودنش گفت و اینکه دعایش این بوده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...! خدایا! همه آنهايي که به توری آورده‌اند، همه‌شان را ببخش! به همه ببخشای!». بعد از من خواست در لباس یک خادم، بلندهمتانه هر کار مثبت و ثمربخشی را دیدم، برای اهل مسجد و اهل محل انجامش دهم و برای او همچون علی برای پیامبر باشم.

صداقت و صراحت «سید» جذبم کرد. رفتیم و شرایطم را بررسی کردم و استخاره‌ای گرفتم و یا علی گفتم. از آن پس هر کار و طرح بزرگ و سختی هم که بود، از زیرش شانه خالی نکردم. «سیدنبی» مرا «علی مسجد» نامید و در همان ماه رمضان، یک دوره مباحث اعتقادی، اخلاقی، آخرتی و مباحث مربوط به جایگاه مسجد و اهمیت خدمت به خانه خدا و خلق خدا را به‌طور ویژه به من یاد داد و نگاه مرا به دنیای دیگر متوجه کرد. بعد از ماه مبارک هم در چند هفته، مباحث مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی را به من آموزش داد.

خلاصه اینکه با هدف‌گزاری برای آخرت و رضای خدا، هر کاری را می‌خواستم انجام دهم، بلندهمتانه و به کمک «سیدنبی» برای یک فعالیت بزرگ‌تر برنامه می‌ریختم تا آن کار هم ذیل این فعالیت محقق شود. مثلاً می‌خواستم مسجد را نظافت کنم، برنامه می‌ریختم برای یک هیئت متشکل از نوجوانان که یکی از وظایف هفتگی‌شان، نظافت مسجد

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۹۳.

بود. بنابراین وقتی که شروع به نظافت می کردم، بچه‌های «هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (علیه السلام)» هم با من بودند و بخشی از کار را انجام می دادند.

بعد از یکی دو سال، کم کم خودم طراح و مجری شدم و «سیدنبی» رهبری خیلی از کارها را به عهده من گذاشت. حالا «سید» بیشتر خودش، مشاورت و نظارت را بر عهده دارد و اگر جایی، در کاری، گیری پیدا شود، کمک می کند یا اگر جایی، اشتباهی رخ دهد، تذکر می دهد.

حرفش که تمام شد، به فکر فرو رفتم و راستش به حال خادم و سعی و تلاشش برای آخرت، غبطه خوردم. به کارهایی که برای مسجد و محله انجام می داد، به فعالیت‌های تربیتی‌اش، به جمع‌های مؤمنانه‌ای که برای مسائل مختلف ایجاد می کرد، به نظم و انضباط شیرینی که در مسجد حاکم کرده بود، به همدردی و همکاری و همیاری‌ای که هر روز بیش از روز پیش، بین نمازگزاران تقویتش می کرد. چه زیبا توانسته بود دیوارهای سنگی بلند محدودیت، کم خواستن، تنگ‌نظری و دون‌همتی را برچیند و زیر پا بگذارد. چه زیبا این دیوارها را شکسته بود و در قلبش، طرح‌هایش، عملش و کارهایی که می خواست انجام دهد، توسعه همت داده بود. اگر به فرموده قرآن، برای انسان چیزی جز سعی و تلاشش نیست؛ این خادم، چه دارایی و توشه ارزشمندی در چمدان عمر خویش برداشته است.

« نویسنده: محمد گلستانی

« نقش خادم در تحقق جایگاه  
عبادی مسجد



- خادم، بادی به غبغب داشت. تکبری هم در رفتارش دیده می‌شد؛ چراکه صدایی دلنشین داشت و اذان و دعا را زیبا می‌خواند. روزی پسرکی بازیگوش، هنگام خواندن دعای بعد از نماز، با تغییر صدایش، او را مسخره کرد. چشمکی هم به دوستانش زد که او را در یابند.

غرش صدایی جلسسه‌را به هم ریخت. گویی رعد آسمان است که بر زمین فرو می‌بارد؛ «برو بیرون»! پسرک یکه‌ای خورد و از مسجد بیرون شد. دیگر هم دوروبر مسجد دیده نشد.

- اتو کشیده، خوش‌بو، خندان، خون‌گرم و مهربان بود. همنشینی‌اش نه تنها خستگی‌ای در پی نداشت، که لذت می‌آفرید. ظرفیت بالایی هم داشت. یک شب هنگام شام در مسجد، جوانکی بی‌ادب، غذایش را عمدتاً روی لباس او ریخت. چیزی که دید، تنها لبخند بود و عطوفت. جوانک هم از فرادمانند ما، به دیده بزرگی و احترام به خادم مسجد می‌نگریست.

داستان‌های بالا دو نمونه متضاد از عمل خادم و کارگزار خانه خدا است. روشن است که فقط رفتار خادم داستان دوم، با وظیفه خدمتگزاری در مسجد سازگار است. خادم مسجد، کارگزاری است که در جذب حداکثری، هدایت و تعالی

مردم، نقش بسزا و مهمی دارد. خدمتگزاری کامل و تمام، جز با قدم نهادن در راه جذب مردم به مسجد و تلاش جهت هدایت آنها و تأثیرگذاری بر ایشان ممکن نیست.

جذب، هدایت، تأثیرگذاری و توانایی نفوذ در افراد، به خصوص در مورد نوجوانان و جوانان، هدفی است که خادمان راستین مساجد، دائماً به آن توجه دارند و چنان که دیدیم، خادم داستان دوم به خوبی از عهده آن برآمد. حتماً شنیده‌اید عرب جاهلی در مسجد النبی، مقابل چشم رسول اکرم ﷺ و همه نمازگزاران، مسجد را با پیشاب خود نجس کرد. اصحاب خواستند او را حساسی گوش مالی دهند؛ اما رسول گرامی با اشاره به اینکه با یک سطل آب پاک می‌شود، به آنان اجازه ندادند آن مرد را تنبیه کنند. این یعنی، اول شخص دنیای اسلام که به حق او را باید بزرگ‌ترین و بهترین خادم مسجد نامید، به تأثیرگذاری، جذب و هدایت هر چه بیشتر مردم به سمت خدا می‌اندیشد.



با این حساب، خادم خانه خدا برای تأثیرگذاری بر مردم، به ویژه نسل جوان و هدایت ایشان به سوی صاحب خانه، لازم است به گرایش و رفتار درست آراسته باشد. او البته خود عالم به راه و چاه است؛ اما برای یادآوری، خوب است نمونه‌هایی از این گرایش‌ها و رفتار ذکر شود:

## « آخرت‌گرایی و دوری از دنیاطلبی

مردم نسبت به رستاخیز و آخرت چند دسته‌اند؛ گروهی منکرند، گروهی شک دارند، گروهی گمان دارند، گروهی یقین دارند و گروهی باینکه ایمان به «روز حساب» دارند، اما آن را فراموش کرده‌اند.

خادمان راستین، حتماً از کسانی‌اند که بر یقین و باورشان به آخرت گرد فراموشی نخواهد نشست؛ چراکه آنها می‌خواهند پا جای پای رسول اکرم صلی الله علیه و آله بگذارند و جزء بهترین خدمتگزاران خانه پروردگار باشند.

آنها می‌دانند داده‌ها ملاک نیست، می‌دانند سودها هم ملاک نیست. داده‌ها از خداست و سودها از این سرمایه خدادادی! نه مقدار سرمایه مهم است و نه مقدار سود؛ بلکه مهم، نسبت سرمایه به سود است.

ده هزار تومانی را که یک خادم مخلص به همراه خانواده‌اش با کم کردن از غذای خودشان به مسجدی کمک کرده و جارویی خریده‌اند، نمی‌توان با ده میلیون تومان کمک تاجری برای خرید فرش مسجد مقایسه کرد؛ چون تاجراز غذایش کم نشده و نسبت به سرمایه‌اش کاری نکرده است. مهم مبلغ سرمایه و کمک تاجر نیست؛ زیرا سرمایه را خدا داده و کمک هم مربوط به سرمایه است. آنچه برای او است، مقدار سعی و کوششی است که بر روی سرمایه دارد.

خادمان این ملاک دستشان است؛ بنابراین دنیاخواهی برایشان رنگ می‌بازد و انجام وظیفه و آبادی آخرت خواسته‌شان می‌شود. در این صورت است که رایحه دلنشین صدق و اخلاص به مشام می‌رسد و زمینه تأثیر و هدایت گسترش پیدا می‌کند.

## « حضور پاکیزه در مسجد

خادمان مخلص، آنها که دنیا در دیده‌شان کوچک و حقیر است، آنها که خدا و دستورهای او را بزرگ می‌بینند، با این امر الهی چه خواهند کرد که: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛<sup>۱</sup> نزد هر مسجد، زینت خود را بگریید». آنها، البته زیر کند! آراستگی، لباس تمیز و عطر زدن را با جذب و تأثیر گذاری همراه می‌بینند، پس حتماً این دستور صاحب خانه را به گوش جان خریدارند.

آنها همچون پروردگارشان که زیباست و زیبایی را دوست دارد، زیبایی را با پاکیزگی، بوی خوش، طمأنینه و... در خود تقویت می‌کنند. آنها با حضور پاکیزه در مسجد، با آراستگی و وقار، کلام رسول اعظم صلی الله علیه و آله را محترم می‌شمرند، که در حدیثی فرمودند: «... مساجد آستان‌های الهی و بناهای پاکیزه‌ای هستند که خداوند اذن داده که بلند و مرتفع شوند و دارای خیر و برکت باشند. مساجد مکان‌هایی خجسته‌اند و اهل آنها نیز مردمانی با سعادت و خوشبختند...»<sup>۲</sup>

شاید اگر از خادمان بخواهیم موارد دیگری از رفتار درست و پسندیده را بیان کنند، مواردی که تأثیر گذاری و نفوذشان را افزایش می‌دهد، این چنین بگویند:

- انعطاف و انتقادپذیری که به جلب همکاری و همدلی می‌انجامد.
- پرهیز از غیبت، سخنان لغو و بی‌فایده که آرامش، صفا و صمیمیت را از بین می‌برد.
- بلند نکردن صدا در مسجد که نشانه‌ای از رعایت ادب و احترام به صاحب‌خانه است.

آنها حتماً می‌پذیرند که با وجود گرایش‌ها و رفتار درست است که رابطه خادم

۱. اعراف: ۳۱.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵؛ به نقل از: رسول عباسی، الگوی مدیریت اثربخش مسجد، ص ۱۵۷.



مسجد با همگان و به خصوص نوجوانان و جوانان تقویت می‌شود و جذب، تأثیر و هدایت در آنان اوج می‌گیرد. گرایش و رفتار صحیح، سرّ نفوذ است. گنجی است که با آن می‌توان در جرگه بهترین خدمتگزاران مسجد قرار گرفت.

« نویسنده: محمد میری



« نقش خادم مسجد در ایجاد حس  
امنیت در نوجوانان



مسجد رفتن، حال و انگیزه می‌خواهد. اشتیاق می‌خواهد. باید چیزی باشد که انسان را به آنجا بکشاند. اینکه انسان حس کند حضورش فایده‌ای ندارد، خود به خود حس رخوت و بی‌رغبتی در دل پیدا می‌شود.

مسجد محلی امن برای حضور نوجوانان و ایجاد دوستی‌های پایدار است. این حضور را باید غنیمت دانست و در جهت حفظ آن تلاش و کوشش کرد. شیوه رفتار مسجدی‌ها و به خصوص خادم مسجد، بسیار راه‌گشا است و می‌تواند مسجد را برای نوجوان به بهترین، دلنشین‌ترین و امن‌ترین مکان برای ابراز و اظهار خود تبدیل کند.

## « محبت جویی

چهره حسین آقا، خادم مسجد القائم علیه السلام، همیشه در ذهن ام است. خدا رحمت‌اش کند. بسیار پر تلاش و پر جنب و جوش و همیشه حتی در سخت‌ترین شرایط هم لبخند بر لبانش بود.

نوجوانی دورانی سرشار از احساسات و عواطف است. محبت کردن و محبت دیدن، دوست داشتن و دوست داشته شدن، از مشخصه‌های بارز این دوران است. نوجوان نیاز به محبت دارد. اخم‌هایت را باز کن؛ بگذار شادی و نشاط

در چهره‌ات دیده شود. حرف زدن، مزاح و شوخی کردن، در ایجاد این ارتباط صمیمی بسیار راه‌گشا است.

## « مشارکت اجتماعی

چه کارهایی در مسجد باید انجام شود؟ برای هر کاری، چه تعداد نیرو لازم است؟ در هر مراسم و جشنی، چه کارهایی باید انجام شود؟ پذیرایی، هماهنگی، نظافت، کفشداری و....

نوجوان تلاش می‌کند برای خود، نوعی نقش و جایگاه اجتماعی ایجاد کند. بهترین شیوه برای این کار، این است که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشد. همه کارها را که خادم مسجد نمی‌تواند انجام دهد؛ می‌توان با به کار گرفتن نوجوانان در فعالیت‌های مختلف مسجد، هم آنان را سرگرم کار کرد و هم اینکه کمی از بار سنگین خادمی را سبک‌تر کرد. از شستن استکان‌ها گرفته تا درست کردن چای و ریختن چای در استکان‌ها و پذیرایی و توزیع قند بین میهمانان. خود این کار، حداقل پنج نفر را درگیر کار و تلاش می‌کند.

## « مقبولیت و محبوبیت

شب دوم یا سوم محرم بود. از پنجره کوچک آبدار خانه مسجد، خادم را دیدم که با اشاره من را فراخواند. دست تنها بود و برای شستن استکان‌ها کمک می‌خواست. حس خیلی خوبی بود و البته یکی دو استکان را هم شکستم! شب‌های بعد باز هم از من خواست تا کمک‌اش کنم. این دعوت برای من خوشایندتر بود؛ چون به این معنا بود که کارم را پسندیده است و مورد قبول واقع شده است.

کاری را که نوجوان یا جوان انجام می‌دهد، قبول داشته باشید. به او اعتماد کنید. بخواهید تا اگر ایده و پیشنهاد تازه‌ای هم دارد، ارائه دهد. برای نظراتش

احترام قائل شوید و منطقی با او صحبت کنید. ترس از طرد شدن و رانده شدن و نیاز به دیده شدن، موجب می شود تا نوجوان با فعالیت های گروهی، هم سوئی و همدلی بیشتری نشان دهد تا از این طریق، استعداد هایش را بروز دهد و مورد توجه اطرافیان قرار بگیرد. نگذارید این ترس ها او را دچار آسیب کند. دادن مسئولیت به نوجوان و اعتماد و احترام به او، می تواند حس ارزشمند بودن را در او به وجود بیاورد.

### « تشویق و تکریم

مورد تشویق قرار گرفتن، باعث می شود که نوجوان در انجام کارها نیرویی مضاعف و بیشتر پیدا کند و انگیزه کار کردن را در آنها بالا ببرد. نوجوان برای کاری که انجام می دهد، توقع تشویق و احترام دارد و علاقه مند است رفتارهای مسئولانه اش مورد توجه قرار گیرد و از خطاهایش چشم پوشی شود. فهمیدن اینکه کسی برای آنها احترام و تکریم قائل است، بسیار ارزشمند است. لذا اگر کاری را به آنها می سپارید، کار آنها را تأیید کنید. شاید کاری را که انجام داده اند، نتیجه کافی و لازم را به دست نیاورده باشد؛ ولی نفس کار را می توان تأیید کرد. این تأیید یا تشویق را به صورت صریح بیان کنید. نگاه محبت آمیز لازم است؛ اما کافی نیست. از اینکه کار را انجام داده است، تشکر و قدر دانی کنید. مثلاً بگویید که تلاشش فوق العاده بوده، یا اینکه اگر شما نبودید، شاید این کار به این سرعت یا به این خوبی انجام نمی شد.





راهکارهایی در مورد  
« چگونگی برخورد با ناهنجاری  
رفتاری جوانان در مسجد



برنامه‌های عبادی مسجد مانند نماز جماعت، اعتکاف و... همه حالش به خلوت کردن با خدا و حال راز و نیازش است؛ و مسجد هم همه شأنش به حفظ حرمتش است. حالا اگر جوان یا نوجوانی بخواهد این حال را از دیگران بگیرد و حرمت مسجد و نماز گزاران را بشکند، چه؟! خب، بی تعارف باید حالش را گرفت! اصلاً باید دید این جوان اینجا چکار می‌کند؟ چرا اینطور رفتار می‌کند؟ چطور ادبش کنیم و مسئله حرمت مسجد را چطور در گوشش فرو کنیم؟ باید چند کلمه‌ای با هم به گفت‌وگو بنشینیم:

### اول: این جوان یا نوجوان بد رفتار چرا الان اینجاست؟

به هر خانه‌ای باید با اجازه وارد شد و بسیاری از نماز گزاران نیز از همین اجازه برخوردارند. همین که آمده‌اند دلیل اجازه یافتن آنهاست. همین جوان پر شو و شور که رفتارش شماراناراحت و خسته کرده، الان به مسجد آمده چون:

- شاید مسجد فرصتی الهی است برای بازگشت او به سوی خدا؛
- شاید آمده است تا به لطف حضور در مسجد از دوستانی دور

باشد؛ و این حداقل خوبی است برای جوان که از دوست ناباب جدا باشد و چه عالی است که مسجد فرصت این جدایی شود. حتی اگر با همان دوستان ناباب هم آمده باشد کجا بهتر از مسجد برای دورهم نشینی چند جوان؛ فقط صبر شما را چاشنی این فرصت می‌خواهد.

• شاید خدا می‌خواهد او را برای بقیه الگو قرار دهد! شاید قرار است همین جوان، الگویی برای دیگری باشد؛ درست است که فرد پر شر و شوری است، اما خیلی‌ها هستند که چشمانشان به دهان همین جوان است. همین جوانی که شاید ظاهرش خیلی هم شبیه بچه مسجدی‌ها نباشد، اما شاید وسیله‌ای است برای هدایت دیگران.

• شاید الان در اوج ناامیدی است؛ رفتار بدش هم گواهی است از ذهن آشفته‌اش؛ شاید خداوند متعال او را دعوت کرده تا از مشکلی و مسئله‌ای که این روزها درگیرش است رهایش کند. شاید لازم است که اینجا باشد!

• شاید این آخرین فرصت و آخرین امتحان است. شاید «فرستی دیگر» در کار نباشد و این آخرین فرصت او است که خدا به او عنایت کرده!

خلاصه شاید او اینجاست چون لازم است که اینجا باشد...

## دوم: شما خادمید یعنی:

خادمی خانه خدا یک راز دارد و آن این که در اینجا شما به جای صاحب‌خانه از مهمانان پذیرایی می‌کنید و این خیلی بزرگ است. این خادمی جایگاه والایی

است؛ زیرا پیامبران بزرگ خدا این افتخار را بر دوش می کشند. حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام از سوی خدای متعال به این مقام نائل می آیند.

### سوم: چه باید کرد؟

من چند روش را برای برخورد با ناهنجاری های رفتاری بر اساس سیره، سنت و نگاهی به علم روان شناسی می گویم. بخوانید و ببینید کدام به دردتان می خورد:

#### ۱) توجه به ریشه ها و عوامل ناهنجاری

هر رفتار ناهنجاری که از فرد سر می زند، دارای ریشه و زمینه خاصی است. اگر بخواهیم رفتاری را عوض کنیم، باید به علل و زمینه های آن توجه کرد و ریشه ها و زمینه ها را از بین برد. مثلاً در ریشه های عصبانیت افراد، باید به پیش زمینه ها توجه کرد. گرسنگی، تشنگی، نگرانی، ترس و ده ها عامل دیگر ممکن است در بدخلقی و تندخویی تأثیر داشته باشد.

#### ۲) یادآوری غیر مستقیم

برای اصلاح رفتار نادرست، می توان آن را به طور غیر مستقیم مطرح نمود. در این حالت علاوه بر اینکه احترام و شخصیت فرد خطا کار محفوظ مانده است، اشتباه او هم به وی تفهیم می شود. این شیوه اصلاحی برگرفته از روش تربیتی قرآن و اهل بیت است. امام صادق علیه السلام فرمود: بسیاری از خطابات قرآن به عنوان سرزنش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است، ولی مقصود دیگران بوده اند. خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: اگر پدر یا مادرت نزد توبه پیری رسیدند، با آنان

درشتی مکن! این در حالی است که رسول خدا ﷺ پدر و مادرش را در دوران طفولیت از دست داده بود. در این گونه موارد، مقصود خداوند متعال دیگران هستند و پروردگار به طور غیر مستقیم آنان را مورد خطاب قرار داده است.

### ۳) تذکر شفقت آمیز

می توان خطاهای نوجوانان را در محیطی کاملاً دوستانه و به دور از خشونت و عصبانیت به آنان تذکر داد. قرآن کریم برخی از نصیحت های سودمند را از زبان دیگران بیان کرده است؛ از جمله مواعظ پیر بار جناب لقمان حکیم به فرزندش را نقل می کند.

### ۴) تغافل (خود را به ندانستن زدن)

امام علی (علیه السلام) می فرماید: تغافل کن که این کار تو مورد ستایش قرار می گیرد. این تغافل باعث می شود حرمت فرد محفوظ بماند و قدر و منزلت او در نزد دیگران حفظ شود و در این صورت فرصتی برای تجدید نظر به او داده می شود.

### ۵) تغییر در چهره

اگر چشم پوشی مؤثر نیفتاد، گام بعدی تنبیه با نگاه و چهره است. اگر با خطای فرد برخورد کردی، در این صورت تنها نوع نگاه خویش را تغییر داده و ناراحتی را به گونه ای در چهره نمایان سازیم. گاهی ممکن است همین نگاه سرد باعث شود غفلت او از بین برود و رفتارش را اصلاح کند.

## ۶) تذکر مستقیم و غیر علنی

در این مرحله شما باید در خلوت و دور از چشم دیگران، فرد خطاکار را مورد خطاب قرار دهید و خطایش را به او تذکر دهید.

### و خلاصه این که ...

حضور این جوانان که قبلاً عرض کردم «چرا اینجا هستند» را باید قدر دانست و باید بر رفتارهای اشتباه آن‌ها صبر کرد و صبر کرد. حتماً این صبر با همه مشقتش را خداوند در نهاد شما قرار داده است که «شمارا به میزبانی مهمانان خود مفتخر کرده است». به این فکر کنید که این جوان بدرفتار نیاز دارد که اینجا باشد حتی اگر خودش به این نیاز و آداب آن آگاه نباشد.

« نویسنده: سعید فیاضی





« لزوم وقت شناسی و وفای به عهد



با خادم مسجد محل قراری برای مصاحبه داشتیم؛ اما دیرتر از موعد رسیدم. خادم مشغول مرتب کردن قفسه‌های کتابخانه بود. سلام کردم، جواب سلامم را داد و گفت: جَوون این طوری قول میدن؟! عذر خواهی کردم و سریع وسایلم رو از کیف بیرون آوردم. تا خواستم سؤال کنم، گفت: من بیست دقیقه بیشتر مصاحبه نمی‌کنم؛ ناراحت شدم، ولی قبول کردم. پرسیدم: چرا شما تو محل معروفین به حاج حسین خوش قول؟

خب، بسم الله الرحمن الرحيم. این لطف هم محلی‌ها است. زمان جَوونیا همین مسجد محل رو داشتین تعمیر می‌کردن، موقعی که خواستن سردر مسجد رو کاشی کاری کنن، روحانی محل گفت: این حدیث رو سردر مسجد بنویسند: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛ کسی که به عهد و قولش پایبند نباشد، دین ندارد». بدقولی چه در امور فردی و چه اجتماعی، آسیب‌هایی رو ایجاد می‌کنه. بدقول در مرحله اول به خودش ضربه می‌زنه؛ چون به خدای سبحان و روز قیامت ایمان نداره.<sup>۲</sup> اگر ایمان داشت، می‌دونست که در قبال قول و قرارش

۱. راوندی، نوادر، ص ۵.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۴.

در قیامت مسئوله.<sup>۱</sup> این رو من نمی گم، اهل بیت عصمت و طهارت می فرمایند. و در مرحله دوم به اجتماع و جامعه آسیب می رسونه؛ به طوری که تو جامعه بی اعتمادی زیاد میشه. به همین خاطر سوءظن و بدگمانی در جامعه نفوذ می کنه و هر کسی به پیمان دیگری به دیده شک و تردید نگاه می کنه. پس بدقولی خواسته یا ناخواسته موجب دلگیری یا قطع ارتباط با دوستان می شه و یکی از مهم ترین عوامل کینه و دشمنیه. و به تبع منجر به از بین رفتن نظام اجتماعی میشه، همان طور که وفای به عهد یکی از عوامل تداوم دوستی ها و تعامل اجتماعی بین افراد.

به قول جناب نظامی که خوش گفته:

در قول چنان کن استواری

کایمن شود از توزینهار

بر عهد کس اعتماد منمای

تا در دل خود نیابیش جای

این دو بیت به ما دو چیز رو گوشزد می کنه، اول: زمانی قول بدید که می تونید روی قولتون استوار باشید. دوم: کسی که پایبندی به عهد و پیمانش نداشته باشه، هیچ وقت نمی تونه به قول و قرار کسی اعتماد کنه. به همین خاطر سعی کردم در زندگی آدم خوش قولی باشم. خواستم سؤال بعدی را بر سرم که گفت: ببخشید بیست دقیقه تمام شد. من قرار دیگه ای دارم، باید برم.

« نویسنده: محمدرضا صفی خانی

۱. حضرت علی (علیه السلام) آمدی، غرر الحکم، ص ۳۶۶.

« انفاق، عبادتی در مسجد



نیازمند بود. با خود گفت «به مسجد بروم تا شاید مسلمانی پیدا شود و کمکی کند» تا بتواند برای غذای خود چیزی فراهم کند. وارد مسجد شد. اظهار نیاز کرد اما کسی به او اعتنا نکرد. در دلش گفت «آیا اینها مسلمان نیستند و سفارش‌های پیامبر را نشنیده‌اند؟ مگر اینها قرآن نخوانده‌اند؟ مگر خدا در کتاب مسلمان‌ها در کنار سفارش به نماز، از انفاق کردن سخن نگفته است؟» در همین حال که با خود نجوای کرد، خود را در کنار مسلمانی در حال نماز خواندن یافت. نمازگزاری که قامت کمان کرده و در حال رکوع، دستش را به طرف او دراز کرده بود؛ نشان از اینکه انگشتی که در دست دارم، برای تو، در راه خدا این را به تو انفاق می‌کنم. انگشت را گرفت و مبهوت از این انفاق، با شور و شوق خاصی از مسجد بیرون رفت. زیر لب شکر خدای کرد و به مسلمانی آن مرد غبطه می‌خورد. تا این انفاق در مسجد - که خانه خداست - رخ داد، صاحب خانه، آیه‌ای نازل کرد و از انفاق کننده - که کسی جز امیرالمؤمنین (علیه السلام) نبود - تمجید کرد.

## « یکی بده هفتصد تا بگیر »

خداوند در قرآن کریم، انفاق کردن را مقارن و همراه ایمان آورده است. آن قدر ارزش و اهمیت انفاق نزد خداوند زیاد بوده که در بیش از دویست آیه، از آن سخن به میان آورده است. خداوند انفاق را باعث طول عمر، برکت و افزایش اموال، دوری بلا و فقر دانسته و آن را موجب تزکیه و طهارت انسان، مغفرت و بخشش گناهان و وسیله تقرب به خود دانسته است.

یک مؤمن زرنگ، می داند که هر کار کوچکی در دنیا، هم در همین دنیا و هم در آخرت بازتابی بزرگ تر و بیشتری دارد و با تکیه بر آیات و وعده های خدا، می داند که هر چیزی که برای خدا انفاق کند، نه تنها چیزی از دست نداده، بلکه چند برابر آن را به دست خواهد آورد. هم چنان که قرآن می فرماید: «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه ای، یکصد دانه باشد»، که مجموعاً از یک دانه، هفتصد دانه برمی خیزد.

## « خندهای انفاق کن »

از آنجایی که انفاق کردن در مسجد، اقتدا نمودن به امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، برای خادم مسجد، این فرصت بیش از دیگران فراهم است تا همانند امیرالمؤمنین از کسانی باشد که در خانه خدا به این کار خیر عمل کند. خادم مسجد که مدال افتخار خدمت به مهمانان خانه خدا را به گردن آویخته، به راحتی می تواند با کارهای کم هزینه و آسان، هم به دیگران انفاق کند و هم با عمل خود، این کار خیر را به دیگران آموزش دهد. یکی از کارهایی که مصداق انفاق کردن است و هزینه ای هم ندارد، این است که خادم به کودکان و نوجوانانی که به مسجد می آیند، چیزهایی همانند شکلات داده و با این کار - که با مهربانی



هم انجام می‌شود- هم آنها را خوشحال نموده و هم به مسجد و نماز جذب کند. کار دیگری که خادم مسجد می‌تواند به عنوان انفاق انجام دهد، خوشبو کردن نمازگزاران است. با یک شیشه عطر کوچک، می‌توان ثواب نماز عده زیادی از نمازگزاران را چندین برابر کرد. طبیعی است که انفاق کردن، اختصاصی به مال ندارد و خداوند در قرآن کریم در تعریف از افراد با تقوا فرموده است: «آنها کسانی هستند که از آنچه به آنها روزی داده شده است، انفاق می‌کنند». پس انفاق باید نسبت به همه نعمت‌های الهی باشد و اختصاصی به مال ندارد. خادم مسجد نیز می‌تواند حتی مهر و محبتی که خدا روزی او کرده است را نسبت به دیگری انفاق کند و از مهر و محبت کم نگذارد.

## « آب در هاون کوبیدن

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که انفاق و کمک، باید خالصانه و برای رضای خدا باشد. اگر از روی اخلاص نباشد و برای ریا و یا حتی منت گذاشتن بر دیگران باشد، مانند سنگ صافی خواهد بود که بر روی آن خاک نرم باشد و بذرهایی روی آن پاشیده باشند، همین که رگباری بزند، همه خاک‌ها و بذرها، شسته شده و از بین می‌روند. انفاقی هم که از روی ریا یا همراه با منت گذاشتن انجام شود، به همین شکل بی‌اثر و بی‌نتیجه خواهد بود.

« نویسنده: امیرحسین شجاعی



« خوش اخلاقی نجاتش داد



قرار بود هر دوی آنها را اعدام کنند. جرمشان توطئه‌گری بر ضد پیامبر و اسلام بود. جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: دستور خدا این است که یکی از این دو مجرم را که مردی خوش اخلاق و سخاوتمند است اعدام نکنی. پیامبر صلی الله علیه و آله از قتل او صرف نظر کرد. وقتی آن شخص فهمید که به سبب خوش اخلاقی و سخاوتمندی‌اش مورد عفو الهی قرار گرفته است، شهادتین را گفت و اسلام آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز درباره او فرمود: او از کسانی است که خوش اخلاقی و سخاوتش او را به سمت بهشت کشاند.<sup>۱</sup>

خوش اخلاقی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین صفت‌هایی است که هم باعث آرامش شخص می‌شود و هم به شکل حیرت‌آوری باعث جلب محبت بوده و از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیروزی انسان در زندگی به شمار می‌آید. به همین خاطر، اسلام نیز مؤمنان را به خوش اخلاقی و مهربانی دستور داده و آنها را از تندخویی و بداخلاقی نهی کرده است. خدای مهربان نیز پیامبران و فرستادگان خود را از میان خوش اخلاق‌ترین و مهربان‌ترین مردم انتخاب کرده است تا آنها بتوانند با این ویژگی شگرف، بهتر و آسان‌تر در دل‌های مردم نفوذ کرده و آنها

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۹.

را به سمت خدا و معرفت الهی متمایل کنند. در این میان، پیامبر اسلام نمونه کامل و مصداق بارز مهربانی و خوش اخلاقی است که خداوند در قرآن کریم، علت موفقیت ایشان را همین مهربانی و خوش اخلاقی ذکر کرده است.<sup>۱</sup>

در زمینه خوش اخلاقی و خلق نیکو داشتن، روایات زیادی وارد شده است. تعبیراتی که در این روایات در برابر این ویژگی اخلاقی آمده است در کمتر مورد دیگری می توان یافت. فراوانی روایات این موضوع و تعبیرات عجیب آن نشان دهنده اهتمام اسلام به این مسأله مهم اخلاقی است.

شاید اگر از خود سؤال کنیم «سنگین ترین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال می گذارند، چیست؟» با نام بردن از جهاد و شهادت یا روزه در روزهای گرم و طولانی تابستان یا نماز شب به این سؤال پاسخ دهیم. اما وقتی این سؤال از پیامبر اسلام پرسیده می شود، حضرت این گونه جواب می دهند: «در روز قیامت، چیزی سنگین تر از خوش اخلاقی در ترازوی اعمال بنده نیست».<sup>۲</sup>

## « زیباترین مخلوق

اهمیت مطلب به اندازه ای است که گاهی تمام دین را حسن خلق و خوش اخلاقی دانسته اند. شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و روبروی حضرت نشست. پرسید: دین چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ داد: حسن خلق. طرف راست حضرت آمد و دوباره پرسید: دین چیست؟ حضرت فرمود: حسن خلق. از طرف چپ آمد و سؤال خود را تکرار کرد. دوباره همان پاسخ را شنید. از پشت سر آمد و باز پرسید که دین چیست؟ حضرت به طرف او برگشت و فرمود: آیا دین را نمی فهمی؟ دین این است که خشم و غضب نکنی.<sup>۳</sup>

این حدیث و تعداد فراوانی از دیگر احادیث نشان می دهند که عصاره تعلیمات

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳. مناهج الشارعی، ص ۸۰۰.

اسلام، همان حسن خلق است؛ همان حسن خلقی که به تعبیر پیامبر ﷺ اگر قرار بود به صورت موجودی خارجی دیده شود، زیباترین مخلوقات بود و در مقابلش اگر بداخلاقی هم موجودی خارجی و قابل دیدن بود، در زشت ترین قیافه‌ها دیده می‌شد.<sup>۱</sup>

بر خورد نیکو و رفتار پسندیده پیامبر ﷺ حتی شامل حال کافران و مجرمان هم می‌شد. همان گونه که خداوند به موسی و هارون دستور داده بود تا با فرعون که دشمن خدا بود به آرامی و نرمی سخن بگویند، پیامبر اسلام نیز با برخورد زیبا و اخلاق نیکوی خود، دشمنان را به تعجب انداخته بود. زیاد اتفاق می‌افتاد که افرادی با قصد دشمنی و آزار پیامبر به حضور ایشان می‌رسیدند، اما خوش اخلاقی پیامبر باعث می‌شد تا آنها پشیمان شده و مسلمان شوند.

## « هزار در برابر یک »

در میان آیات و روایات، آثار زیادی برای خوش اخلاقی بیان شده که برخی از آنها مربوط به همین دنیا بوده و برخی دیگر مربوط به آخرت می‌باشند. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- خوش اخلاقی گناهان را از بین می‌برد؛ امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «اخلاق نیکو، لغزش‌ها را ذوب می‌کند، همان گونه که آفتاب یخ را؛<sup>۲</sup> و بدخلقی عمل را فاسد می‌نماید همان طور که سرکه عسل را».
- جواز ورود به بهشت است؛ پیامبر اکرم بیشترین امتیازی که مردم به سبب داشتن آن به بهشت می‌روند را تقوای الهی و

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۰.

حسن خلق برمی شمارند.<sup>۱</sup>

- موجب رسیدن به مراتب عالی معنوی می شود؛ پیامبر اکرم فرمودند: «بنده در سایه خوش اخلاقی خود، به مراتب بزرگ و مقام های والایی در آخرت می رسد؛ اگر چه عبادتش ضعیف باشد».<sup>۲</sup>
- حساب قیامت را آسان می کند؛ حضرت علی (علیه السلام) این گونه بر این امر صحه می گذارد: «اخلاقت را نیکو کن تا خداوند حسابت را آسان کند».<sup>۳</sup>
- زندگی را پاکیزه و گوارا می کند؛ امام علی (علیه السلام) فرمودند: «هیچ زندگی، گواراتر از زندگی آمیخته با اخلاق نیک نیست».<sup>۴</sup>
- روزی را زیاد می کند؛ امام علی می فرمایند: «گنجینه های روزی در نرم خوایی و خوش اخلاقی است».<sup>۵</sup>
- مشکلات و ناهمواری های زندگی را هموار می سازد؛ امام علی (علیه السلام) می فرماید: «هرکس خلقش نیکو شد، راه های زندگی برایش هموار می گردد».<sup>۶</sup>
- کینه ها را از بین می برد؛ در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «خوش رویی، کینه را می زداید».<sup>۷</sup>
- محبت خدا و مردم را جلب می کند؛ امام باقر (علیه السلام) می فرمایند:

۱. همان.

۲. محجه البیضاء، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۹۳.

۳. امالی شیخ صدوق، ص ۲۱۰.

۴. غررالحکم، ج ۵۲۷۹.

۵. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳.

۶. غرر الحکم، ج ۵۳۸۹.

۷. همان ص ۱۰۴.



«نیکوکاری و خوش‌رویی، محبت‌آفرین‌اند، انسان را به خدا نزدیک و داخل بهشت می‌کنند»<sup>۱</sup>.

## « خادم باید خوش اخلاق باشد »

در این میان از افرادی که به شکلی بیشتر از دیگران با خدا مرتبط هستند، انتظار بیشتری می‌رود که این خصوصیت اخلاقی را بیشتر و بهتر از دیگران در خود ظاهر سازند. خادم مسجد که طبق آیه ۱۲۵ سوره بقره، شغلش شغل انبیا است، باید خوش اخلاق تر از دیگران باشد. خادم مسجد می‌داند که خدا هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد، او را خدمت‌گذار مسجد قرار می‌دهد و از این جهت چون خادم خانه خداست و نمازگزاران مهمان‌های این خانه نور هستند، در ارتباط با مهمان‌های این خانه باید دقت بیشتری داشته باشد. از آن جایی که «فاعِلُ الخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ؛ بالاتر از هر کار خیر، صاحب آن کار است»، مقام نمازگزار نیز بالاتر از خود نماز خواهد بود. در واقع بودن مقام نمازگزار همین بس که حضرت ابراهیم علیه السلام از خادمی خواهد که او و فرزندانش را در زمره نمازگزاران قرار دهد. همچنین در روز عاشورا وقتی یکی از یاران امام حسین علیه السلام وقت نماز را به امام یادآور می‌شود، حضرت برایش این گونه دعا می‌کنند: «خدا تو را از نمازگزاران قرار دهد». از این رو خادم مسجد باید توجه داشته باشد با نمازگزاری که این مقام را دارد و مهمان خدا محسوب می‌شود، نهایت خوش اخلاقی را داشته باشد و مبادا با ترش‌رویی و بداخلاقی با او برخورد کند. در این میان اهتمام به خوش اخلاقی نسبت به جوانان، نوجوانان و کودکان باید پررنگ‌تر باشد. نقش خادم مسجد در جذب و تداوم حضور کودکان و جوانان بسیار زیاد است. او می‌تواند با پیشی گرفتن در سلام کردن، خوش‌رویی و لبخند، مهربانی و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۴۴.

خوش اخلاقی، زمینه جذب افراد زیادی را به مسجد فراهم کند. چه بسیار جوانان و نوجوانانی که به خاطر اخلاق خوش یک خادم، اهل مسجد شده‌اند و چه بسیاری که به خاطر یک ترش رویی و بداخلاقی ترک مسجد کرده‌اند! خدمت‌گزار خانه خدا که انبیا به این خادمی مسجد افتخار می‌کنند، می‌تواند با اخلاق و رفتار و زبانش بهترین مبلغ دین باشد و با منش و روش و کلامش، بهترین الگو برای نمازگزاران و کودکان مسجدی قرار بگیرد. فارغ از تمامی این مطالب، اصلاً خادم مسجد به خاطر مقامی که دارد، برای به دست آوردن آثار فراوان خوش اخلاقی که برخی از آنها ذکر شد نسبت به دیگران اولویت دارد.

« حسن خلق و رفتار کریمانه راز  
موفقیت یک خادم



چه چیزهایی ما را خوشحال می‌کند؟ چه چیزهایی ما را ناراحت می‌کند؟ واقعاً دوست داریم با دیگران چگونه رفتار کنیم؟ آیا با خوشحالی آنان، از صمیم دل خوشحال می‌شویم؟ آیا اگر دلشان بشکند، دل ما هم می‌شکند؟ چگونه با آنان سخن می‌گوییم؟ زبان ما بیشتر به نفع آنان می‌چرخد یا به ضررشان؟ پاسخ این سؤال‌های مهم، هم به درد دنیای ما می‌خورد و هم به درد آخرت ما! مخصوصاً کسانی مثل خادمین مساجد که با افراد گوناگون سروکار دارند و هر روز با اقشار مختلف برخورد می‌کنند، از پاسخ این سؤالات استفاده بیشتری می‌برند. برای تصور عینی‌تر پاسخ‌ها، نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم:

اگر یک فرد نابینا برای اولین بار وارد کفش‌کن مسجد شود (که طبیعتاً اطلاعی از وضعیت و مسیرهای داخلی مسجد ندارد)، ما به عنوان یک خادم، به بهترین وجه یاری‌اش خواهیم کرد تا بتواند آماده اقامه نماز شود. اگر جوانی را ببینیم که بعد از عمری گناه و معصیت، از در آشتی با خدای متعال درآمده است و می‌خواهد در خانه خدا با او مناجات کند، وضوی باطل او را نادیده می‌گیریم و به جای گیر دادن به کیفیت وضویش، با سخنان و کلمات دل‌نیشینی از او استقبال می‌کنیم و حتی مراقب هستیم زیاد حرف نزنیم تا به خاطر بی‌احتیاطی ما، این

دوست جدید خدا، دوباره قهر نکند. ممکن است فقیر آبرومندی از اهل مسجد، مشکلی داشته باشد و نتواند دردش را به کسی بگوید و ما به عنوان خادم خانه خدا، از این مشکل او اطلاع پیدا کنیم و برای حل مشکل او، به صورت پنهانی و با حفظ حرمت و شخصیت وی، تلاش‌هایی بکنیم. حتی گاه ممکن است برای خودمان شرایط سختی پیش بیاید، از نظر مالی در مضیقه قرار بگیریم، کسانی با ما رفتار نامناسب داشته باشند و... در تمام این شرایط، خم به ابرو نمی‌آوریم و برای رضای خدا و حفظ جایگاه خادمی خانه خدا، تحمل می‌کنیم.

سرّ این رفتارها در بزرگواری روح و عظمت قلب انجام‌دهنده آنها است؛ روحی که چله‌نشین خانه خدا است و همواره سایه به سایه فرشتگان، از خانه خدا غبارروبی می‌کند.

خانه خدا محور آرامش جامعه اسلامی است؛ هر مؤمنی که می‌خواهد دلش از آلودگی‌های دنیا فارغ شود، به مسجد پناه می‌آورد و در آن آرام می‌گیرد. گاه برخی مؤمنان آن قدر محو معنویت مسجد می‌شوند که متوجه گذر زمان نمی‌شوند و تا خادم تذکر نداده است، دوست ندارند از پناهگاه امن خدا خارج شوند. به نظر می‌رسد یکی از زیباترین جلوه‌های میزبانی خدای متعال از بندگان خود، حضور خادمی است که «گفتار» و «رفتار» او، حاکی از بزرگواری خود وی و همچنین بزرگواری شمردن مؤمنان است. خادم مسجد، یعنی چشم و گوش و زبان خانه خدا! خادم مسجد یعنی دست و پای خانه خدا! خادمی که از یک روح و قلب بزرگواری برخوردار است، به اهل مسجد با همان بزرگواری می‌نگرد، بزرگواری با ایشان سخن می‌گوید و به سخنشان گوش می‌دهد. کاری نمی‌کند که دلشان بشکند و در مسیری گام بر نمی‌دارد که کوچک‌ترین احساس ناراحتی از سوی او برای ایشان ایجاد شود. این انتظار کاملاً درست و به جایی است که مردم دوست داشته باشند از خادمان مساجد، غیر از این رفتارها

را نبینند. البته هر کسی ممکن است به اندازه خودش، دچار خطا و اشتباه شود؛ اما مهم این است که خمیرمایه اصلی رفتار و گفتار یک انسان، نشان از عظمت روح و قلب او باشد. البته عظمت روح یک انسان، در هر مرحله‌ای خود را نشان می‌دهد؛ در مسجد، در کوچه و خیابان، در منزل و... نه تنها اهل مسجد، که اهل محله و اهل خانه هم از وجود چنین فردی احساس بسیار خوبی دارند؛ مخصوصاً فرزندان، که وجود چنین پدری برایشان از شهد شیرین عسل، شیرین تر است.

« نویسنده: محمد حسن جعفریان





« لزوم محاسبه نفس در کلام امام

کاظم علیه السلام



چرا بعضی‌ها از عادت کردن می‌ترسند؟! از اینکه با افراد همیشگی خو بگیرند، از آشناهای همیشگی، از لحظه‌های تکراری؟ سعی می‌کنند، عادت‌هایشان را بر هم بزنند و خیلی از روزمرگی و عادت‌زدگی شکایت می‌کنند. چه عیبی دارد که هر روز یک جور باشیم و هر روزمان تکرار روزهای گذشته باشد؟ کلافه می‌شویم که بشویم! خسته می‌شویم که بشویم! در عوض ریسک کار جدید را نداریم. اصلاً چرا به خودمان استرس بدهیم... این روز هم مثل دیروز می‌گذرد... ماه محرم و به خصوص روز شهادت امام حسین (علیه السلام) را باید به عنوان آغاز حیات مجدد اسلام به شمار آورد. هر فرد و گروهی می‌تواند با الهام از این ایام به خودسازی و تذهیب نفس پردازد. می‌توان شروعی تازه داشت. اصلاً این ماه با همه ماه‌ها تفاوت دارد. هر روز و لحظه‌اش اتفاقی تازه دارد که هیچ کدام به هم شبیه نیستند. به خاطر همین است که با لحظه‌های آن می‌توان زندگی کرد. همین تفاوت لحظات است که همه روزها و مکان‌ها را مانند کربلا کرده است. از همین رو برای هر روز روزه در ماه محرم، سی روز پاداش منظور می‌گردد،<sup>۱</sup> و به کسانی که توانایی شب‌زنده‌داری در شب اول ماه محرم و شب عاشورا را دارند،

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۷۰.

سفارش شده که آن را به جا آورند و در این شب‌ها برای زیاد دعا کردن، نماز و قرائت قرآن تلاش کنند.

این نکته را بدانیم که زندگی کردن با وجود داشتن متفاوت است. می‌توان هر روز حس زندگی را تجربه کرد. زندگی یعنی در جریان بودن، یعنی حرکت داشتن و یک‌جا نایستادن. آب وقتی می‌گندد که یک‌جا را کد بماند و حرکت نداشته باشد. خیلی وقت‌ها اجازه می‌دهیم زندگی هر طور که دوست دارد بگذرد و امروزمان تفاوتی با دیروزمان ندارد. این یک روش غیرطبیعی و البته راحت‌ترین راه برای زندگی به نظر می‌رسد.

خوب گوش کنید! به نظر می‌رسد ندایی در مغزتان به گوش می‌رسد که می‌گوید: «وقتش رسیده کمی تغییر ایجاد کنی». به مولایمان اقتدا کنیم. از جریان کربلا می‌توان درس گرفت. درس زندگی، درس تازگی، درس ایمان و خودسازی.

از زندگی تان لذت ببرید و قدرتان آدم‌ها و چیزهای خوب، مثل همسر خوب، فرزند خوب، همسایه خوب و دوست خوب باشید. حرف‌های منفی دیگران را نادیده بگیرید و کسانی را که اذیت‌تان کرده‌اند و از آنها در دل کدورتی دارید، ببخشید.

همان کسی باشید که واقعاً هستید و به ندای درونی‌تان برای تغییر در مسیر یک‌نواخت زندگی گوش دهید. خودتان به استقبال تغییر بروید و از هر چه زندگی برایتان پیش می‌آورد، لذت ببرید.

روابط‌تان را هوشمندانه انتخاب کنید. بهترین روابط فقط زمانی نیست که اوقات خوشی را می‌گذرانید؛ بلکه موانع و مشکلاتی را که با آن روبه‌رو می‌شوید نیز اهمیت دارد.

خودتان را دوست داشته باشید و به شخصیت خود احترام بگذارید. کاری

را انجام دهید که بتوانید در آینده از خودتان متشکر باشید. برای تفریح و سرگرمی برنامه‌ریزی داشته باشید و برای آن وقت کافی بگذارید. سعی کنید از کوچک‌ترین چیزهای زندگی، مثل با خانواده بودن، در کنار یک سفره نشستن، مناسبت‌های متفاوتی که در زندگی دارید، مانند تولد خود، همسر و فرزندتان لذت ببرید و این واقعیت را بپذیرید که دیروز، گذشته و امروز دیگر وجود ندارد؛ بنابراین اجازه ندهید گذشته، حال و آینده شما را از بین ببرد. توجه داشته باشید که شاید به کارهایی که در گذشته کرده‌اید، مفتخر نباشید، اما بدانید امروز می‌تواند با دیروز و آینده متفاوت باشد. گذشته قابل تغییر، فراموشی یا پاک کردن از زندگی نیست و فقط باید آن را پذیرفت و برای آینده برنامه‌ریزی کرد. حضرت امام کاظم (علیه السلام) می‌فرمایند: «هر که دو روزش برابر باشد، مغبون و فریب‌خورده است، و هر که امروزش بدتر از دیروزش باشد، از رحمت حق به دور است، و هر که پیشرفتی در وجود خود نبیند، در کمبود به سر برد، و هر که در مسیر کاستی باشد، مرگ برای او بهتر از زندگی است»<sup>۱</sup>.

« نویسنده: علی بانشی

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۰۷.



« استفاده از ظرفیت مأمومین اهل  
علم





بالاخره به خودش جرأت داد و کنار آقای نوری نشست، تانمازش تمام شود.  
آقای نوری، وتیره رازود تمام کرد و به احترام کربلایی، بلند شد و دوباره نشست.  
-سلام کربلایی!

-سلام علیکم آقای نوری! شرمندم که مزاحم تعقیباتون شدم.

-اختیار دارید، شما رو سر ما جا دارید، شما زحمتکش این مسجدید، من در خدمتم.

-والله این علی ما که امثال کلاس هفتم می‌ره، ریاضیش یه مقدار ضعیفه،  
زحمتم زیاد می‌کشه اما همینه که هست، می‌دونم که شما هم فرصت زیادی  
ندارید ولی با عرض معذرت، می‌خواستم از تون خواهش کنم که ...

(کربلایی در حالی که این جملات را با شرمندگی به آقای نوری می‌گفت: یاد  
گفت و گوی چند روز پیشش با مدیر مدرسه افتاده بود و صحنه‌ها یکی پس از  
دیگری از جلوی چشمش رژه می‌رفت، مخصوصا صحنه‌ای که مدیر مدرسه  
ورقه ریاضی علی را به او نشان می‌داد و تأکید می‌کرد که مشکل دانش آموز  
باید به یک شکلی حل شود و به کربلایی پیشنهاد می‌کرد که از کلاس‌های  
تقویتی استفاده کند. البته مدیر محترم مدرسه اطلاعی از شیوه زندگی

کربلایی (که او را به اسم آقای فضل‌اللهی می‌شناخت) نداشت. او نمی‌دانست که آقای فضل‌اللهی غیر از علی یک دختر هم دارد که در مقطع راهنمایی درس می‌خواند و دختری هم دارد که نامزد کرده و پدر به فکر تهیه جهیزیه اوست. به هر حال اینها مشکلاتی نبودند که بتوانند کربلایی را ناامید کنند. او می‌دانست که می‌تواند با تصمیم به موقع و مدیریت درست، بر همه مشکلات فائق شود و به همین جهت بود که خجالت را کنار گذاشته بود و حرفش را با هم مسجدی خود در میان گذاشته بود.

آقای نوری اجازه ادامه بحث رو به کربلایی نداد و فوری گفت: کربلایی این مطلب رو الان چرامی گی؟ پس من چیکارم؟

- خدا از بزرگی کمتون نکنه! خجالت می‌کشیدم پیام بهتون بگم.

- اختیار دارید، من خیلیم خوشحال می‌شم اگه بتونم برای آقای شما کاری بکنم.

مدتها بود، کربلایی به خاطر حیا و کم‌رویی، به خود اجازه طرح مشکلش را نمی‌داد، ولی واقعیت این است که یک خادم مسجد بر گردن نمازگزاران حق دارد و نباید از ظرفیتی که آنان در حل مشکلاتش دارند غفلت کند. اگر فرزند دانش‌آموز یک خادم مسجد نیاز به کمک آموزشی داشته باشد، چه کسی برای این کمک و یاری سزاوارتر از کسانی است که هر روز در سایه تلاش‌ها و زحمات پدرش، در یک مسجد زیبا و تمیز به عبادت خدا می‌پردازند و در یک فضای دلپذیر و معطر خود را به خدا نزدیک‌تر می‌کنند؟!

گاه راه و چاه را می‌دانیم ولی جرأت اقدام نداریم، در حالی که بر فرض عدم موفقیت هم، اتفاق خاصی نخواهد افتاد و مشکلی پیش نخواهد آمد. فقط این ما هستیم که احساس تنگنای کنیم، فقط همین!

مسجد خانه خداست و خدا روزانه مهمانان بسیاری دارد؛ برخی افراد، مهمان

همیشگی و روزانه خدا هستند و این مهمانان دایمی، گاه توانایی‌های مختلفی دارند که می‌شود از هر کدام در مسیر درستش استفاده کرد. اگر زائران خانه خدا را جدی بگیریم، مسجد می‌تواند منشأ برکات بسیاری باشد. خادمان عزیز مسجد گاه خودشان هم غفلت می‌کنند که در یک موقعیت استثنایی قرار گرفته‌اند؛ موقعیتی که در عین اینکه از نظر مالی و مادی تعریفی ندارد، از نظر رشد و تعالی در برخی امور حتی برای فرزندان‌شان هم عالی و مغتنم است. شاید همین آقای نوری، اگر در یک فضایی غیر از مسجد و از کسی غیر از کربلایی، چنین مطلبی می‌شنید، غیر از اظهار همدردی و تأسف کار دیگری انجام نمی‌داد و پیشنهاد خاصی مطرح نمی‌کرد، اما او به خوبی می‌داند که خدمت به خادم خانه خدا ارزش و اهمیت زیادی دارد. به هر حال فرزندان خادمان خانه خدا نباید به خاطر اینکه پدران‌شان وقتشان را صرف خانه خدا می‌کنند و امکانات مالی شرکت در کلاس‌های تقویتی را ندارند، از این خدمات محروم بمانند. به نظر می‌رسد، امثال آقای نوری هم در بین معلمان کشور ما کم نباشد، مهم این است که کربلایی‌هایی پیدا شوند که چاره کار خود را به خوبی تشخیص داده، اقدام نمایند.

آن روز جرأت کربلایی و برخورد زیبای آقای نوری، برای علی بسیار مفید واقع شد. آقای نوری به علی هم مثل یکی از دانش‌آموزان ارزشمند خود، مسائل مختلف ریاضی را با صبر و حوصله کافی آموزش داد و علی در امتحان ریاضی با نمره خوبی قبول شد.

ممکن است کربلایی‌های دیگری باشند که این کار را به گونه وسیع‌تر و گسترده‌تری پی بگیرند و نه تنها برای فرزندان خود، بلکه برای دانش‌آموزان دیگری با وضعیت مشابه نیز مفید واقع شوند. شاید یک خادم مسجد با یک حرکت خردمندانه بتواند عوامل موفقیت علمی و درسی گروهی از کودکان و

نوجوانان یک محله را فراهم آورد. همه اینها بستگی به این دارد که وی بتواند به خود بقبولاند که من باید از این ظرفیت‌ها استفاده کنم.

« این مسجدبانی دارد



داشتن یک بانی خوب مسجد، از آن مواردی است که هر خادمی آرزوی آن را دارد. کم و کاستی‌ها، خرابی‌ها، عیب و ایرادها و خلاصه هر آنچه که بانبودن بانی سنگی می‌شود برای داشتن یک مسجد مرتب و کامل، با بودن عنصری به نام بانی تنها دغدغه‌ای می‌شود چندروزه که بایک تلفن و کمی پیگیری اجرایی حل می‌شود و ممکن است حتی امام جماعت مسجد هم متوجه آن نشود. اما این بانی چیست یا بهتر بگوییم کیست که در بعضی مناطق به وفور پیدا می‌شود و در بعضی جاها هم می‌شود دُرّ نایاب؟ چه کسی یا چه عاملی باعث جذب بانی می‌شود؟ اصلاً به چه کسی بانی می‌گویند؟ این‌ها از آن سؤالاتی است که کمتر کسی به آن توجه می‌کند، چه برسد به آنکه جوابی برای آن پیدا کند! اما اینکه چگونه در پیش آمده‌ها گره مشکل مسجدمان را باز کنیم، می‌شود قوت روزانه ذهن مان. سؤالی که پاسخش ساده و دم دستی است و تنها با داشتن چند مهارت نه چندان سخت می‌توان به پاسخ رسید.

## « شناسایی مسجدی‌ها

در هر محله‌ای عده‌ای هستند که پایه نماز جماعت و شرکت در مراسمات مسجد باشند. از پیرها گرفته تا جوان‌ها و حتی کودکان. اینکه شما این افراد را شناسایی کنید کار سختی نیست. تنها لازم است از امروز چشم‌تان را تیزتر و حواس‌تان را

جمع‌تر کنید تالیستی از همه این افراد داشته باشید. حتی نگذارید کودکانش، هفت ساله هم از لیست شما جا بمانند. تنها این مهم است که طرف مسجدی باشد و این حضور برایش معنایی داشته باشد؛ این معنا حتی می‌تواند بازی در حیات مسجد باشد. در عرف به این افراد مسجدی می‌گویند.

### «ارتباط‌گیری مثبت

بعد از یک هفته که اهالی مسجد را رصد کردید، حالا نوبت پُل سازی است. پلی از جنس محبت و لبخند و هر چیزی که بتواند شما را به حریم خصوصیات فرد برساند. شاید سال‌هاست که افرادی با سنین مختلف در مسجد شمارفت و آمد دارند، اما ارتباط شما با آن‌ها به یک «سلام» و «قبول باشد»، «خدا حافظ» ختم شود و شاید هم ارتباط بسیار عمیق‌تر از این حرف‌ها باشد و چند روزی طرف پیدایش نشود دل‌تان هوایش را کند و سراغش را از این و آن بگیرد. اما آن چیزی که در حال حاضر مهم است، شناخت و ارتباط‌گیری با تمام مسجدی‌هاست.

### «شناخت ظرفیت‌ها

اینکه فرد چه کاره است و چه کاری می‌تواند برای حل مشکلات مسجد انجام دهد، یعنی شناخت ظرفیت فرد. حالا ممکن است طرف ما پیرمردی باشد که پسرش پرده‌فروشی دارد، یا کودکی باشد که پدرش نجار است، یا جوانی باشد که سرش درد می‌کند برای مسئولیت‌پذیری و پیگیری کارهای روی زمین مانده. شناسایی این ظرفیت‌ها بزرگ‌ترین قسمت کار است که می‌تواند سر بزنگاه به داد شما برسد و به عبارتی بشود بانی از آسمان رسیده.

### «جذب نیرو

با هماهنگی امام جماعت و هیئت امنای مسجد، برنامه‌ای را تدارک ببینید و



از این افراد دعوت کنید تا با شرکت در آن، خود را عضوی فعال و تأثیرگذار در آبادگری خانه خدا بدانند. حتی می‌توانید شورای بانی تأسیس کنید و هر کس به اندازه توان و استعدادش بانی مسجد شما شود.

### « جلب اعتماد

دانستن و شناسایی ظرفیت‌ها با اینکه کار بزرگ و انرژی‌گیری است، اما خیلی مهم است که فرد احساس نکند شما دنبال سوءاستفاده از آن‌ها هستید. متأسفانه در جامعه امروز، به خاطر سبک زندگی مدرن، خیلی‌ها مبتلا به این معزل هستند و از آن فراری‌اند. با این تفاسیر، خیلی مراقب عملکرد و ادبیات خود در این زمینه باشید و تمام تلاش‌تان را بکنید که فرد شمارا نماینده مسجد محالش بداند و دلسوزی شما را بفهمد و متوجه نیت خیر شما بشود. اینکه با برنامه سراغ فرد بروید و بیشتر از توان از او چیزی طلب نکنید. اینکه مشکل پیش آمده را کامل با او در میان بگذارید و داشته‌های مسجد را صادقانه رو کنید و از طرف بخواهید به قدر توانش شما را همراهی کند و یا اینکه از او بخواهید برای حل مشکل از ارتباطات شخصی و دوستانش کمک بگیرید، می‌تواند شمارا در رسیدن به هدف کمک کند.

### « بانی بهانه است

از همه این حرف‌ها گذشته، خوب می‌دانیم که تنها خداست که از همه چیز آگاه است و تنها اوست که با قدرت بی‌پایانش هر آنچه خیر است را پیش می‌آورد و اگر هم قدمی در راه آبادانی خانه‌اش بر می‌داریم، تنها به خاطر خود ماست که به این واسطه راهی پیدا کنیم به درگاه رضایتش، و الا بانی بهانه است.

« نویسنده: فاطمه عرب زاده

